پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

Compensation for Damage Caused by Wrongful Decisions of Administrative Employees: A Comparative Study of Iran, Iraq, and Human Rights Doctrines

Ammar Hussein Tarrad Salman [1], Alireza Ansari Mahyari [2*]

1. PhD student, Department of law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 237-250

Article history:

Received: 17 Apr 2026
Edition: 05 May 2026
Accepted: 03 Jun 2026
Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Administrative Error, Compensation for Damage, Civil Liability of Administrative Employees, Iranian and Iraqi Law, Human Rights Doctrines.

Corresponding Author:
Alireza Ansari Mahyari

Address:
Iran, Najafabad, Islamic Azad University, Na.C., Department of Law.

Orchid Code:
0000-0003-2646-317X

Email:
alirezaansari50@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Unlawful or erroneous decisions by administrative employees may cause harm to individuals and give rise to civil liability. This study comparatively examines the legal bases, requirements, and mechanisms for compensating damage resulting from such decisions in Iran and Iraq, assessing them against human rights standards.

Materials and Methods: Using a qualitative, descriptive-analytical, and comparative approach, the study reviews legislation, legal documents, administrative and judicial practices, and scholarly literature. The analysis focuses on establishing administrative fault, causation, jurisdiction, and available remedies, with particular attention to access to justice, administrative accountability, and proportional compensation. The assessment considers the practical accessibility of remedies for affected individuals.

Ethical Considerations: Academic integrity, accurate citation, and respect for intellectual property were observed throughout the research.

Findings: The comparison identifies shared obstacles, including difficulties proving administrative fault and causation, uncertainty over the jurisdiction of competent bodies, insufficiently consistent standards for assessing pecuniary and non-pecuniary damage, and weak enforcement mechanisms. Although Iran has a relatively more coherent framework for reviewing administrative grievances, both systems face limitations in securing effective remedies. These institutional and legal shortcomings appear more pronounced in Iraq.

Conclusion: Effective administrative civil liability cannot be reduced to establishing fault or ordering monetary damages. It also requires meaningful access to competent adjudicatory bodies, fair proceedings, and timely enforcement of remedial decisions. Clarifying jurisdiction, developing transparent standards for damage assessment, strengthening oversight, and providing complementary remedies, including restitution and compensation for non-pecuniary harm, could improve practical protection of citizens' rights. Such reforms should reflect the legal structures and institutional capacities of each jurisdiction while advancing accountability and effective access to justice.

Cite this article as: *Salman, A & Ansari Mahyari, A. "Compensation for Damage Caused by Wrongful Decisions of Administrative Employees: A Comparative Study of Iran, Iraq, and Human Rights Doctrines". 2026.*

پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

دورۀ سوم، شمارۀ سوم، پاییز ۱۴۰۵

جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری: مطالعه تطبیقی ایران، عراق و آموزه‌های حقوق بشری

عمار حسین طراد سلمان [۱]، علیرضا انصاری‌مهیاری [۲*]

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۵۰-۲۳۷

سابقۀ مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۲۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

خطای اداری، جبران خسارت، مسئولیت مدنی کارکنان اداری، حقوق ایران و عراق، آموزه‌های حقوق بشری.

نویسندۀ مسئول:

علیرضا انصاری مهیاری

آدرس پستی:

ایران، نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، گروه حقوق.

کد ارکید:

۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۶۴۶-۳۱۷x

پست الکترونیک:

alirezaansari50@iau.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: تصمیمات خلاف قانون یا مبتنی بر خطای کارکنان اداری می‌تواند موجب ورود زیان به اشخاص و تحقق مسئولیت مدنی شود. پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی مبانی، شرایط و سازوکارهای جبران خسارت ناشی از این تصمیمات در نظام‌های حقوقی ایران و عراق و ارزیابی آن‌ها بر پایه الزامات حقوق بشری انجام شده است.

مواد و روش‌ها: پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. داده‌ها از طریق بررسی مقررات، اسناد حقوقی، رویه‌های رسیدگی اداری و قضایی و منابع علمی گردآوری و بر محور احراز خطا، رابطه سببیت، صلاحیت مراجع و شیوه‌های جبران خسارت تحلیل شده‌اند. همچنین حق دادخواهی، اصل پاسخگویی اداری و تناسب جبران با زیان در ارزیابی لحاظ شده‌اند.

ملاحظات اخلاقی: اصول امانت‌داری علمی، استناد صحیح و رعایت حقوق معنوی پژوهشگران در انجام مطالعه رعایت شده است.

یافته‌ها: بررسی تطبیقی نشان می‌دهد دشواری اثبات خطای اداری و رابطه سببیت، ابهام در حدود صلاحیت مراجع رسیدگی، فقدان معیارهای منسجم برای ارزیابی خسارت‌های مادی و معنوی و ضعف تضمین‌های اجرایی، از موانع مشترک حمایت از زیان‌دیدگان است. با وجود انسجام نسبی بیشتر سازوکار رسیدگی به شکایات اداری در ایران، هر دو نظام با محدودیت‌هایی در تحقق جبران مؤثر مواجه‌اند؛ این محدودیت‌ها در ساختار حقوقی و نهادی عراق برجسته‌تر است.

نتیجه: کارآمدی مسئولیت مدنی اداری صرفاً به شناسایی تقصیر و صدور حکم پرداخت غرامت وابسته نیست، بلکه مستلزم دسترسی مؤثر به مرجع صالح، رسیدگی منصفانه و اجرای به‌موقع تصمیمات جبرانی است. شفاف‌سازی صلاحیت‌ها، تدوین معیارهای ارزیابی زیان، تقویت نظارت و پیش‌بینی شیوه‌های مکمل جبران، از جمله اعاده وضعیت پیشین و جبران خسارت معنوی، می‌تواند حمایت عملی از حقوق شهروندان را ارتقا دهد.

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

۱. مقدمه

تصمیمات اشتباه کارکنان اداری از جمله چالش‌های اساسی نظام‌های اداری ایران و عراق به شمار می‌رود که آثار مستقیم و گسترده‌ای بر حقوق شهروندان، منابع عمومی و اعتماد اجتماعی برجای می‌گذارد. کارکنان اداری، به‌عنوان مجریان قوانین و سیاست‌های عمومی، در برابر شهروندان مسئولیت‌هایی دارند که رعایت آن‌ها با اصول حاکمیت قانون، عدالت اداری، پاسخگویی و صیانت از حقوق بنیادین انسان ارتباطی تنگاتنگ دارد. هرگونه قصور، خطا یا تصمیم غیرقانونی در انجام وظایف اداری، افزون بر ایجاد خسارت‌های مادی و معنوی، می‌تواند حق شهروندان بر برخورداری از رسیدگی منصفانه، دسترسی مؤثر به عدالت و جبران خسارت را با مخاطره مواجه سازد. از این‌رو، بررسی چالش‌های حقوقی و نهادی فرآیند جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری، نه‌تنها از منظر کارآمدی نظام اداری، بلکه از حیث تضمین حقوق شهروندی و تحقق عدالت ترمیمی نیز ضرورتی اساسی دارد.

در ایران، دیوان عدالت اداری به‌عنوان مرجع رسیدگی به دعاوی ناشی از تصمیمات و اقدامات اداری، نقش مهمی در حمایت از حقوق اشخاص و جبران خسارت ایفا می‌کند؛ بااین‌حال، محدودیت ابزارهای اجرایی، دشواری اثبات خطا و وجود خلأهای قانونی موجب شده است که فرآیند جبران خسارت همواره از اثربخشی و جامعیت لازم برخوردار نباشد (هاشمی، ۱۳۹۸، ۱۲۳). در عراق نیز هیأت‌های انضباطی مسئول رسیدگی به اشتباهات کارکنان اداری هستند، اما فقدان قوانین مدون و استانداردهای شفاف، محدودیت اختیارات نهادهای مربوط و پراکندگی رویه‌ها، فرآیند جبران خسارت را پیچیده و طولانی ساخته و در مواردی شهروندان را با تأخیر، سردرگمی و نقص در تأمین حقوق مواجه می‌کند (الحسینی، ۲۰۱۷، ۵۶). مقایسه وضعیت دو کشور نشان می‌دهد که تفاوت‌های ساختاری، قانونی و نهادی می‌تواند بر کیفیت، سرعت، شفافیت و میزان دسترسی شهروندان به سازوکارهای جبران خسارت تأثیر مستقیم داشته باشد؛ از این‌رو، مطالعه تطبیقی نظام‌های ایران و عراق می‌تواند زمینه شناسایی نقاط قوت و ضعف هر یک و ارائه راهکارهایی برای تقویت عدالت اداری و پاسخگویی را فراهم آورد.

مسئله محوری پژوهش حاضر، نبود نظامی منسجم، شفاف و کارآمد برای جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری در ایران و عراق است؛ مسئله‌ای که با وجود پیش‌بینی نهادها و مقررات نظارتی، همچنان می‌تواند تحقق مؤثر حقوق شهروندان و اجرای عدالت ترمیمی را محدود سازد. یکی از مهم‌ترین موانع در این زمینه، دشواری اثبات اشتباه اداری و احراز تقصیر کارکنان است. در ایران، با وجود قوانین مدون و نقش دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دعاوی، ناکافی بودن مستندات، پیچیدگی‌های قانونی و فقدان استانداردهای کارشناسی روشن، می‌تواند موجب طولانی شدن فرآیند رسیدگی و کاهش سرعت جبران خسارت شود (مرادی، ۱۳۹۹، ۱۵۶). در عراق نیز فقدان قوانین مدون و معیارهای شفاف، اثبات خطا و احراز رابطه سببیت میان تصمیم اداری و

خسارت وارده را دشوار و گاه غیر شفاف می‌سازد (الموسوی، ۲۰۱۸، ۹۹). این دشواری‌ها از منظر حقوق بشری اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا هرگاه شهروند نتواند به‌صورت مؤثر خطای اداری را اثبات کرده و جبران خسارت را مطالبه کند، حق دسترسی عملی به عدالت و برخورداری از حمایت حقوقی مؤثر با محدودیت مواجه خواهد شد.

چالش دیگر، ابهام در صلاحیت مراجع اداری و قضایی برای رسیدگی و جبران خسارت است. در ایران، برخی پرونده‌ها با اختلاف‌نظر میان دیوان عدالت اداری و مراجع اجرایی مواجه می‌شوند که این امر می‌تواند موجب تأخیر و پیچیدگی در فرآیند رسیدگی شود. در عراق نیز، اگرچه هیأت‌های انضباطی مسئول رسیدگی به تخلفات کارکنان هستند، نبود چارچوب قانونی روشن و پراکندگی رویه‌ها، زمینه سردرگمی شهروندان و کندی اجرای جبران خسارت را فراهم می‌آورد (المطوری، ۲۰۱۷، ۸۵).

از منظر تضمین حقوق شهروندی، وضوح صلاحیت مراجع و پیش‌بینی مسیرهای مشخص و قابل فهم برای طرح دعوا، از الزامات دسترسی مؤثر به عدالت محسوب می‌شود؛ چراکه ابهام نهادی و تعدد مراجع می‌تواند بار نامتناسبی بر دوش زیان‌دیدگان تحمیل کند. افزون بر این، خلأهای قانونی و رویه‌ای در تعیین نوع و میزان خسارت، از دیگر موانع مهم در هر دو نظام به شمار می‌رود. فقدان معیارهای دقیق و قابل اتکا برای ارزیابی خسارت‌های مادی و معنوی، می‌تواند به صدور آرای ناپایدار یا ناعادلانه و در نتیجه کاهش اعتماد عمومی منجر شود. همچنین، محدودیت پوشش بیمه‌ای مسئولیت مدنی کارکنان، ممکن است سرعت و اثربخشی جبران خسارت را کاهش داده و شهروندان را با تأخیر و زیان‌های مضاعف مواجه سازد (هاشمی، ۱۳۹۸، ۱۲۳). از این منظر، جبران خسارت نباید صرفاً به شناسایی مسئولیت محدود شود، بلکه باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا گردد که زیان‌دیده بتواند در زمانی معقول و بر مبنای معیارهای روشن، به جبران مؤثر خسارت دست یابد.

ضعف نهادهای نظارتی و محدودیت ابزارهای اجرایی نیز بر پیچیدگی این وضعیت می‌افزاید. در ایران، دیوان عدالت اداری با وجود اختیارات قانونی، همچنان با محدودیت‌هایی در زمینه اجرای مؤثر تصمیمات و نبود پوشش کامل بیمه‌ای مواجه است. در عراق نیز محدودیت اختیارات هیأت‌های انضباطی و فقدان نهادهای مستقل، می‌تواند نظارت و جبران خسارت را ناکافی سازد (الحسینی، ۲۰۱۷، ۵۶). استمرار این مشکلات، علاوه بر تضعیف پاسخگویی اداری، می‌تواند حقوق شهروندان را در برابر قدرت عمومی در معرض آسیب قرار دهد و اعتماد آنان به نهادهای حکومتی را کاهش دهد. بنابراین، اصلاح قوانین، تقویت استقلال و توان اجرایی نهادهای نظارتی، تعیین روشن صلاحیت مراجع، ایجاد معیارهای منصفانه و شفاف برای ارزیابی خسارت و تضمین دسترسی شهروندان به فرآیندهای مؤثر جبران، از جمله ضرورت‌هایی است که باید در چارچوب حمایت از حقوق بشر و حاکمیت قانون مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی چالش‌های حقوقی و نهادی فرآیند جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری در ایران و

عـراق و ارائـه راهکارهـایی بـرای ارتقـاء شـفافیت، پاسخگویی و اثربخشی نظـام‌هـای جبـران خسـارت است. پژوهش می‌کوشد مهم‌ترین موانـع حقـوقی و نهادی این فرآیند را شناسایی کنـد، آثـار دشـواری اثبات خطا، ابهـام در صـلاحیت مراجـع و خلأهـای قـانونی را بـر تحقـق عـدالت ترمیمـی و دسترسـی شـــهروندان بـــه عـــدالت اداری تحلیـــل نمایـــد و راهکارهای عملی و تطبیقی برای بهبود سازوکارهای جبران خسارت ارائه دهد. روش پژوهش، تطبیقی و تحلیلی است و با اتکا به اسـناد قـانونی، رویـه‌هـای دیوان عدالت اداری ایـران و هیـأت‌هـای انضـباطی عراق و منابع پژوهشی و حقوقی انجام می‌شود.

پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌انـد از: مهـم‌تـرین موانع حقوقی و نهادی در فرآینـد جبـران خسـارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری در ایران و عراق چیست؟ دشواری اثبات اشتباه اداری و احـراز تقصیر چه تأثیری بر تحقق جبـران خسـارت دارد؟ این چالش‌ها چگونه دسترسی شهروندان به عـدالت اداری و برخورداری آنان از حمایت حقوقی مـؤثر را تحت تأثیر قرار می‌دهنـد و چـه راهکارهـایی بـرای کاهش آن‌ها قابل ارائه است؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند زمینه تبیین الزامات اصلاحی را فراهم آورد و نشان دهد که تحقق نظام مؤثر جبـران خسـارت، مسـتلزم ایجـاد تـوازن میـان اختیـار و مسـئولیت دستگاه‌های اداری، تضمین حقـوق زیـان‌دیـدگان و تقویـــت ســـازوکارهای پاســـخگویی در چـــارچوب حاکمیت قانون و اصول حقوق بشری است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع کیفی و با رویکرد تطبیقـی ـ تحلیلی انجام شـده اسـت. در ایـن پـژوهش، نظـام حقوقی ایران و عراق در زمینه جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری مـورد بررسـی و مقایسه قرار گرفته و داده‌های مـورد نیـاز از طریـق مطالعه اسناد و مقـررات قـانونی، رویـه‌هـای دیـوان عدالت اداری ایران، عملکـرد هیـأت‌هـای انضـباطی عراق و منابع علمی و حقوقی مرتبط گردآوری شده است. تحلیل داده‌هـا بـا تمرکـز بـر چـارچوب‌هـای قانونی و نهادی، شـیوه‌هـای اثبـات خطـای اداری و رابطه سببیت، معیارهای تعیین و جبـران خسـارت، حدود صـلاحیت مراجـع رسـیدگی و سـازوکارهای نظارت و پاسخگویی صورت گرفته است. همچنـین، موضوع از منظر اصول حقوق بشـری، بـه‌ویـژه حـق دسترسی مؤثر به عـدالت، برخـورداری از رسـیدگی منصفانه، حمایت از حقوق شهروندان و جبران مؤثر خسارت، ارزیابی شده است. در نهایت، بـا شناسـایی وجوه اشتراک و افتراق دو نظام حقوقی، تلاش شده است راهکارهایی برای بهبود فرآیند جبران خسارت و تقویت عدالت اداری ارائه شود.

۳. ملاحظات اخلاقی

در انجام پژوهش حاضـر، اصـول اخـلاق پـژوهش از جملـــه امانـــت‌داری علمـــی، رعایـــت حقـــوق پدیدآورندگان آثار، ارجـاع‌دهـی دقیـق بـه منـابع و پرهیز از تحریف یا گزینش نادرسـت داده‌هـا مـورد توجه قرار گرفته اسـت. پـژوهش بـر مبنـای اسـناد قانونی، منابع علمـی و اطلاعـات منتشرشـده انجـام شده و از داده‌های شخصی یا محرمانه افراد استفاده نشده است. همچنین، تحلیل نظام‌های حقوقی ایران و عـراق بـا رعایـت بـی‌طرفـی علمـی و پرهیـز از پیش‌داوری صورت گرفته و تلاش شده است نتـایج پژوهش بر شواهد و مستندات حقوقی استوار باشد.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظام‌های جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری در ایران و عراق، با وجود برخورداری از برخی سازوکارهای قانونی و نظارتی، با موانع حقوقی و نهادی قابل‌توجهی مواجه هستند. دشواری اثبات خطای اداری و احراز رابطه سببیت، ابهام در صلاحیت مراجع رسیدگی، فقدان معیارهای روشن برای تعیین میزان خسارت، محدودیت ابزارهای اجرایی و ضعف سازوکارهای نظارتی از مهم‌ترین چالش‌های مشترک دو کشور به شمار می‌روند. در ایران، وجود چارچوب قانونی و نقش دیوان عدالت اداری، زمینه نسبتاً منسجم‌تری برای رسیدگی و جبران خسارت فراهم کرده است؛ بااین‌حال، طولانی بودن فرآیند رسیدگی و محدودیت‌های اجرایی همچنان از موانع مؤثر محسوب می‌شوند. در عراق، پراکندگی رویه‌ها، کمبود مقررات مدون و محدودیت استقلال و اختیارات نهادهای رسیدگی، فرآیند جبران خسارت را با دشواری بیشتری مواجه ساخته است. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که جبران مالی به‌تنهایی برای تأمین کامل حقوق زیان‌دیدگان کافی نیست و استفاده از شیوه‌هایی مانند اعاده وضع، جبران معنوی، اصلاح تصمیمات نادرست و پوشش بیمه‌ای مسئولیت مدنی می‌تواند در افزایش اثربخشی جبران خسارت و تقویت پاسخگویی نقش مهمی ایفا کند.

۵. بحث

بحث پژوهش حاضر بر تحلیل تطبیقی موانع جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری در ایران و عراق و ارزیابی پیامدهای آن‌ها از منظر حقوق بشری متمرکز است. در این راستا، ابتدا چارچوب‌های حقوقی و نهادی دو کشور بررسی می‌شود تا جایگاه مراجع مسئول، حدود صلاحیت آن‌ها و میزان استقلال و توان اجرایی هر یک روشن گردد. سپس، دشواری اثبات خطای اداری، احراز تقصیر و تعیین رابطه سببیت میان تصمیم نادرست و خسارت وارده تحلیل می‌شود و آثار این موانع بر دسترسی شهروندان به عدالت اداری مورد توجه قرار می‌گیرد. در ادامه، خلأهای قانونی و رویه‌ای در تعیین نوع و میزان خسارت‌های مادی و معنوی، تفاوت‌های موجود در عملکرد دیوان عدالت اداری ایران و هیأت‌های انضباطی عراق و محدودیت‌های اجرایی آرای جبران خسارت بررسی می‌شود. همچنین، شیوه‌های جبران خسارت در دو کشور، از جمله جبران مالی، جبران معنوی، اعاده وضع و اقدامات ترمیمی، با یکدیگر مقایسه شده و نقش پوشش بیمه‌ای مسئولیت مدنی در تسریع و تکمیل فرآیند جبران خسارت مورد بحث قرار می‌گیرد.

از منظر حقوق بشری، این بررسی با تأکید بر حق دسترسی مؤثر به عدالت، رسیدگی منصفانه، حمایت از حقوق شهروندان و ضرورت برخورداری زیان‌دیدگان از جبران مؤثر انجام می‌شود. در نهایت، با تکیه بر نتایج تحلیل تطبیقی، راهکارهایی مانند اصلاح و شفاف‌سازی قوانین، تقویت استقلال و اختیارات نهادهای نظارتی، تدوین معیارهای کارشناسی برای تعیین خسارت، گسترش شیوه‌های جبران، توسعه بیمه مسئولیت مدنی، آموزش مستمر کارکنان و ایجاد سامانه‌های الکترونیکی ثبت و پیگیری پرونده‌ها بررسی می‌شود. هدف از این بحث، تبیین این نکته است که تحقق نظام کارآمد

جبران خسارت، مستلزم ایجاد توازن میان مسئولیت و اختیار دستگاه‌های اداری، حمایت از حقوق زیان‌دیدگان و تقویت سازوکارهای پاسخگویی در چارچوب حاکمیت قانون و اصول حقوق بشری است.

۵-۱. چارچوب حقوقی و نهادی جبران خسارت

چارچوب حقوقی و نهادی جبران خسارت، مبنای شناسایی مسئولیت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری و تضمین حقوق اشخاص زیان‌دیده است. در این چارچوب، قواعد قانونی حاکم بر مسئولیت، صلاحیت مراجع رسیدگی و سازوکارهای مطالبه و جبران خسارت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق حمایت مؤثر از شهروندان ایفا می‌کنند. از این‌رو، بررسی تطبیقی ساختارهای حقوقی و نهادی ایران و عراق، زمینه‌ای برای شناخت ظرفیت‌ها و چالش‌های موجود در جبران خسارت‌های اداری فراهم می‌سازد.

۵-۱-۱. نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، دیوان عدالت اداری نهادی است که مسئول رسیدگی به دعاوی ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری و اعمال جبران خسارت است (هاشمی، ۱۳۹۸، ۱۲۳). این نهاد با وجود چارچوب قانونی مشخص، با چالش‌های اجرایی متعددی روبه‌روست. یکی از مهم‌ترین مشکلات، طولانی بودن روند رسیدگی به پرونده‌ها است. حتی در پرونده‌های ساده، نیاز به بررسی مستندات اداری، شهادت کارشناسان و ارزیابی آثار تصمیم اشتباه باعث می‌شود اجرای آرای دیوان تا ماه‌ها طول بکشد.

به‌علاوه، برخی سازمان‌ها توان اجرایی لازم برای اجرای فوری آرای جبران خسارت را ندارند. فقدان هماهنگی بین بخش‌های اداری و محدودیت منابع انسانی و مالی، مانع اجرای به موقع جبران خسارت می‌شود. برای مثال، پرونده‌های مرتبط با خسارات مالی ناشی از تصمیمات نادرست کارکنان شهرداری‌ها یا ادارات دولتی، گاهی نیازمند تخصیص بودجه خاص است که باعث تأخیر می‌شود.

۵-۱-۲. نظام حقوقی عراق

در عراق، هیأت‌های انضباطی مسئول رسیدگی به تصمیمات اشتباه کارکنان هستند، اما ضعف ساختاری و نهادی قابل‌توجه است (الحسینی، ۲۰۱۷، ۵۶). فقدان قوانین مدون و استانداردهای کارشناسی شفاف باعث شده فرآیند رسیدگی کند، پیچیده و غیر شفاف باشد. علاوه بر این، نبود استقلال نهادهای نظارتی و اختلاف میان مراجع اداری و قضایی موجب طولانی شدن پرونده‌ها می‌شود.

۵-۱-۳. ابهام در مسئولیت کارکنان و معیارهای خسارت

یکی از مشکلات عمده، عدم تعریف دقیق مسئولیت کارکنان و معیارهای تعیین خسارت است. این امر باعث سردرگمی هیأت‌ها و تفسیرهای متفاوت در صدور آرای جبران خسارت می‌شود. در بسیاری از موارد، پرونده‌ها به دلیل نبود چارچوب قانونی روشن، ماه‌ها در هیأت‌های انضباطی معطل می‌مانند و حقوق شهروندان تأمین نمی‌شود.

۵-۲. تحلیل تطبیقی ایران و عراق

تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و عراق، امکان شناخت وجوه اشتراک و تفاوت‌های موجود در مبانی مسئولیت، سازوکارهای رسیدگی و شیوه‌های جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری را فراهم می‌کند. این مقایسه، ضمن تبیین ظرفیت‌های هر نظام در حمایت از شهروندان، چالش‌های حقوقی و نهادی مؤثر بر تحقق جبران خسارت را آشکار می‌سازد. بر این اساس، در ادامه، ابعاد مختلف این دو نظام با تأکید بر کارآمدی حمایت از اشخاص زیان‌دیده و انطباق آن با آموزه‌های حقوق بشری بررسی می‌شود.

۵-۲-۱. مقایسه نهادی و ساختاری دو نظام

مقایسه دو نظام نشان می‌دهد که وجود نهادهای نظارتی مستقل، چارچوب قانونی روشن و ابزارهای اجرایی کارآمد، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش موانع ساختاری دارد. ایران با وجود محدودیت‌ها توانسته بخش قابل‌توجهی از مشکلات را کاهش دهد، اما عراق نیازمند اصلاحات بنیادی در ساختارهای نهادی، تدوین آیین‌نامه‌های مدون و افزایش استقلال هیأت‌های نظارتی است. بدون این اصلاحات، فرآیند جبران خسارت در عراق کند، پیچیده و غیر شفاف باقی خواهد ماند و اعتماد عمومی آسیب می‌بیند.

۵-۲-۲. اثبات خطا و رابطه سببیت

در ایران، اثبات اشتباه اداری مستلزم جمع‌آوری مستندات رسمی، بررسی سوابق عملکردی کارکنان و استفاده از نظرات کارشناسان است (مرادی، ۱۳۹۹، ۱۵۶). این فرآیند به دلیل پیچیدگی پرونده‌ها و وجود اسناد متناقض، گاهی طولانی و پرهزینه می‌شود. برای مثال، در پرونده‌ای که تصمیم اشتباه کارکنان شهرداری منجر به خسارت مالی قابل‌توجه برای شهروندان شده است، دیوان عدالت اداری علاوه بر بررسی اسناد، از کارشناسان مالی و حقوقی نیز نظرخواهی می‌کند. این امر باعث افزایش دقت در صدور رأی می‌شود، اما هم‌زمان مدت رسیدگی را طولانی و فشار روانی و مالی بر شاکیان افزایش می‌دهد.

در عراق، اثبات اشتباه و تعیین رابطه سببیت میان تصمیم اداری و خسارت دشوار است (الموسوی، ۲۰۱۸، ۹۹). هیأت‌های انضباطی برای تشخیص تقصیر موظف به تفسیر محدود قوانین موجود هستند و فقدان ابزارهای کارشناسی و رویه‌های شفاف، موجب طولانی شدن رسیدگی و کاهش عدالت شده است. به‌علاوه، برخی پرونده‌ها سال‌ها بدون رسیدگی باقی می‌مانند، که این امر موجب کاهش اعتماد عمومی و کاهش انگیزه کارکنان برای رعایت استانداردهای قانونی می‌شود. نبود قوانین مدون و شفاف، مهم‌ترین عامل ایجاد ابهام در اثبات اشتباه اداری و تعیین مسئولیت در عراق است. تجربه ایران و عراق نشان می‌دهد که استانداردسازی ابزارهای اثبات و تدوین قوانین شفاف، نقش کلیدی در کاهش دشواری اثبات خطا و افزایش سرعت اجرای جبران خسارت دارد. ایران، با وجود برخی محدودیت‌ها، نمونه موفقی است که استفاده از کارشناسان و مستندات رسمی توانسته است فرآیند اثبات را قابل اعتماد کند. عراق نیازمند ایجاد چارچوب قانونی دقیق، استانداردهای کارشناسی روشن و نهادهای مستقل برای رسیدگی سریع و عادلانه است تا عدالت ترمیمی تحقق یابد.

۵-۲-۳. خلأهای قانونی و رویه‌ای

خلأها و چالش‌های ایران: در ایران، قوانین مربوط به تعیین میزان خسارت مادی و معنوی وجود دارد، اما عدم وجود معیارهای دقیق کارشناسی و رویه‌های استاندارد باعث شده که صدور آرای جبران خسارت گاهی ناپایدار و متفاوت باشد (کاظمی، ۱۴۰۰، ۷۸). به‌عنوان مثال، در پرونده‌هایی که تصمیمات اداری موجب آسیب معنوی یا روانی شهروندان شده است، دیوان عدالت اداری نیازمند تفسیر از قوانین کلی است و میزان خسارت غالباً بسته به نظر هیأت قضایی و کارشناسان تعیین می‌شود. این امر موجب کاهش شفافیت و افزایش اختلافات در آرای مشابه شده است.

خلأهای قانونی و رویه‌ای در عراق: در عراق، مشکل جدی‌تر است. نبود قوانین مدون، معیارهای دقیق و آیین‌نامه‌های مشخص باعث شده که آرای هیأت‌های انضباطی پراکنده و گاه ناعادلانه باشند (المطوری، ۲۰۱۷، ۸۵). نبود چارچوب مشخص برای تعیین میزان خسارت و پوشش بیمه‌ای ناکافی، موجب شده اجرای آرای جبران خسارت با تأخیر و ناقص انجام شود. شهروندان برای دریافت حقوق خود مجبور به طی مراحل طولانی و پیچیده هستند که اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد.

تحلیل تطبیقی و پیامدها: تطبیق ایران و عراق نشان می‌دهد که تدوین آیین‌نامه‌های مدون، استانداردسازی معیارهای کارشناسی و تعیین شیوه‌های دقیق محاسبه خسارت، موجب افزایش شفافیت، عدالت و کاهش اختلافات در اجرا می‌شود. تجربه ایران، با وجود برخی محدودیت‌ها، نمونه‌ای از موفقیت نسبی است؛ عراق نیز نیازمند اصلاحات قانونی و ایجاد چارچوب‌های مدون برای تضمین اجرای مؤثر جبران خسارت است.

۵-۳. رویه قضایی و انضباطی

رویه قضایی و انضباطی، نقش مهمی در تبیین نحوه اعمال قواعد مسئولیت اداری و تحقق جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان دارد. بررسی تصمیمات مراجع رسیدگی در ایران و عراق، افزون بر روشن‌ساختن چگونگی احراز خطای اداری و تعیین مسئولیت، امکان ارزیابی میزان حمایت عملی از اشخاص زیان‌دیده را فراهم می‌کند. از این‌رو، تحلیل این رویه‌ها می‌تواند چالش‌های مرتبط با صلاحیت مراجع، اثبات خطا و رابطه سببیت و اجرای تصمیمات جبرانی را آشکار سازد.

۵-۳-۱. آرای دیوان عدالت اداری ایران

آرای دیوان عدالت اداری ایران: دیوان عدالت اداری ایران به‌عنوان نهاد تخصصی رسیدگی به دعاوی ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری، طی سال‌ها تجربه، رویه‌های منسجمی برای جبران خسارت ایجاد کرده است (هاشمی، ۱۳۹۸، ۱۲۳). این نهاد علاوه بر جبران مالی، شیوه‌های اعاده وضع و اقدامات ترمیمی را نیز به کار می‌گیرد. برای نمونه، در پرونده‌ای که تصمیم اشتباه یک اداره موجب تعطیلی یک کسب‌وکار محلی شده بود، دیوان علاوه بر جبران مالی خسارت، دستور بازگرداندن وضعیت قبلی و اصلاح تصمیم را صادر کرد. این اقدام نه تنها حقوق شهروندان را تأمین کرد، بلکه اثر بازدارندگی بر کارکنان اداری ایجاد نمود و فرهنگ پاسخگویی را تقویت کرد. استفاده از مستندات رسمی، گزارش کارشناسان و ارزیابی

دقیق آثار تصمیم، باعث شده که آرای دیوان قابل اتکا و شفاف باشند.

۵-۳-۲. رویه هیأت‌های انضباطی عراق

رویه هیأت‌های انضباطی عراق: در عراق، هیأت‌های انضباطی به دلیل فقدان قوانین مدون و استانداردهای مشخص، عمدتاً به جبران مالی محدود هستند و اقدامات ترمیمی یا معنوی کمتر اعمال می‌شوند (عبدالله، ۲۰۱۶، ۷۲). این رویه محدود باعث کاهش اثر بازدارندگی و پاسخگویی کارکنان شده و اعتماد عمومی به نظام اداری را کاهش می‌دهد. برای مثال، در پرونده‌ای که اشتباه یک اداره دولتی موجب زیان مالی قابل‌توجهی به شهروندان شده بود، هیأت انضباطی تنها به پرداخت خسارت مالی بسنده کرد و هیچ اقدام ترمیمی یا معنوی برای جبران آثار تصمیم نادرست اتخاذ نشد. نبود استانداردهای کارشناسی و پراکندگی رویه‌ها موجب صدور آرای متفاوت، تأخیر در اجرا و کاهش شفافیت شده است.

مقایسه تطبیقی رویه‌ها: مقایسه رویه‌های ایران و عراق نشان می‌دهد که وجود نهادهای نظارتی مستقل، آیین‌نامه‌های مدون و روش‌های کارشناسی دقیق، باعث افزایش شفافیت، کاهش اختلافات و تسریع در اجرای عدالت ترمیمی می‌شود. ایران با وجود محدودیت‌ها، نمونه موفقی است، درحالی‌که عراق نیازمند تدوین قوانین مدون، ایجاد استانداردهای کارشناسی روشن و نهادهای مستقل برای رسیدگی سریع و عادلانه است.

۵-۴. شیوه‌های جبران خسارت

شیوه‌های جبران خسارت، مرحله تحقق عملی مسئولیت اداری و بازگرداندن حقوق تضییع‌شده اشخاص زیان‌دیده را تشکیل می‌دهند. با توجه به ماهیت و آثار تصمیمات اشتباه کارکنان اداری، جبران خسارت می‌تواند ابعاد مالی و غیرمالی داشته باشد و در موارد مقتضی، اعاده وضعیت پیشین را نیز شامل شود. بررسی این شیوه‌ها در نظام‌های حقوقی ایران و عراق، امکان ارزیابی تناسب راهکارهای جبرانی با نوع زیان و میزان حمایت از حقوق شهروندان را فراهم می‌سازد.

۵-۴-۱. شیوه‌های جبران در ایران

در ایران، شیوه‌های جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری شامل جبران مالی، جبران معنوی، اعاده وضع و اقدامات ترمیمی است (مرادی، ۱۳۹۹، ۱۵۶). جبران مالی شامل پرداخت مبلغ خسارت مستقیم به شهروندان است، درحالی‌که جبران معنوی می‌تواند شامل عذرخواهی رسمی، اصلاح تصمیمات نادرست و اقدامات جبرانی دیگر باشد. اعاده وضع نیز یکی از ابزارهای مهم است که وضعیت قبلی شهروندان را به شکل عملی بازگردانده و آثار تصمیم اشتباه را کاهش می‌دهد. این شیوه‌ها ضمن تأمین حقوق شهروندان، اثر بازدارندگی بر کارکنان اداری ایجاد می‌کنند و فرهنگ پاسخگویی را تقویت می‌نمایند.

۵-۴-۲. شیوه‌های جبران در عراق

در عراق، جبران خسارت عمدتاً محدود به پرداخت مالی است و ابزارهای معنوی یا اعاده وضع کمتر استفاده می‌شوند (الحسینی، ۲۰۱۷، ۵۶). این محدودیت باعث کاهش اثر بازدارندگی تصمیمات

اداری و کاهش پاسخگویی کارکنان می‌شود. عدم وجود چارچوب قانونی مشخص و آیین‌نامه‌های مدون موجب شده که جبران خسارت ناقص یا دیرهنگام انجام شود و حقوق شهروندان به‌طور کامل تأمین نشود.

۵-۴-۳. پوشش بیمه مسئولیت مدنی

پوشش بیمه مسئولیت مدنی کارکنان اداری نقش مهمی در کاهش فشار مالی ناشی از جبران خسارت و تسریع در اجرای آرای قضایی دارد. در ایران، تجربه محدودی در زمینه بیمه مسئولیت مدنی وجود دارد و این پوشش هنوز کامل نیست. عراق نیز هنوز نظام بیمه‌ای مؤثر برای کارکنان ایجاد نکرده است. ایجاد پوشش بیمه‌ای گسترده، امکان جبران سریع و کامل خسارت‌ها را فراهم می‌کند و از تحمیل بار مالی مستقیم بر سازمان‌های دولتی جلوگیری می‌نماید. استفاده از بیمه مسئولیت مدنی علاوه بر کاهش فشار مالی، انگیزه کارکنان برای رعایت استانداردهای قانونی را افزایش می‌دهد و نقش مهمی در تقویت پاسخگویی و اعتماد عمومی ایفا می‌کند. این ابزار می‌تواند به‌عنوان مکمل فرآیند جبران خسارت عمل کرده و اثر بخشی شیوه‌های مختلف جبران مالی و معنوی را افزایش دهد.

۵-۵. راهکارهای کاهش خطا و تقویت پاسخگویی

کاهش خطاهای اداری و تقویت پاسخگویی کارکنان، از الزامات اساسی پیشگیری از ورود خسارت به شهروندان و ارتقاء کارآمدی نظام اداری است. تحقق این هدف مستلزم توجه هم‌زمان به نظارت بر تصمیمات اداری، شفافیت فرایندها، آموزش و ارتقاء آگاهی حقوقی کارکنان و تقویت سازوکارهای جبران خسارت است. در این چارچوب، بررسی راهکارهای پیشگیرانه و حمایتی می‌تواند زمینه‌ای برای کاهش احتمال بروز خطا، افزایش پاسخگویی نهادهای اداری و حمایت مؤثرتر از حقوق اشخاص فراهم آورد.

۵-۵-۱. آموزش مستمر و فرهنگ پاسخگویی

آموزش مستمر کارکنان اداری یکی از مهم‌ترین ابزارها برای کاهش خطا، افزایش آگاهی قانونی و ارتقاء پاسخگویی است. این آموزش‌ها باید شامل شبیه‌سازی تصمیمات پیچیده، بررسی پرونده‌های گذشته، تحلیل آثار تصمیمات اداری و آشنایی با حقوق شهروندان باشد. در ایران، برخی دستگاه‌ها برنامه‌های آموزشی محدود دارند که بر روی مسائل حقوقی و اخلاقی تمرکز می‌کنند، اما نیاز به گسترش و استانداردسازی این دوره‌ها احساس می‌شود (مرادی، ۱۳۹۹، ۱۵۶). ایجاد فرهنگ پاسخگویی در سازمان‌های دولتی باعث کاهش اشتباهات و افزایش اعتماد عمومی می‌شود. سامانه‌های بازخورد و اطلاع‌رسانی برای شهروندان، امکان مشارکت در نظارت بر تصمیمات اداری را فراهم کرده و شفافیت را افزایش می‌دهند. در عراق، فقدان چنین سامانه‌هایی موجب کاهش کنترل شهروندان و افزایش احتمال تصمیمات نادرست شده است.

۵-۵-۲. سامانه‌های الکترونیکی

استفاده از سامانه‌های الکترونیکی برای ثبت، پیگیری و اجرای آرای جبران خسارت، موجب کاهش تأخیر، افزایش شفافیت و تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات پرونده‌ها می‌شود. این ابزارها می‌توانند داده‌های آماری در مورد اشتباهات اداری

و روند اجرای جبران خسارت ارائه دهند و به نهادهای نظارتی برای اصلاح رویه‌ها کمک کنند.

۵-۶. تحلیل پیشنهادهای اصلاحی

پیشنهادهای اصلاحی در حوزه جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری باید بر رفع کاستی‌های حقوقی و نهادی و تقویت حمایت عملی از اشخاص زیان‌دیده متمرکز باشند. با توجه به چالش‌های شناسایی‌شده در نظام‌های حقوقی ایران و عراق، بازنگری در قوانین موجود و تدوین آیین‌نامه‌های شفاف برای تعیین مسئولیت کارکنان، تعریف خطای اداری، نحوه اثبات تقصیر و تعیین میزان خسارت ضروری است. همچنین، تدوین معیارهای دقیق کارشناسی و دستورالعمل‌های مدون برای جبران خسارت مالی و معنوی و اعاده وضعیت پیشین، می‌تواند فرایند رسیدگی را شفاف‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر سازد. در کنار اصلاح قواعد قانونی، تقویت نهادهای نظارتی و افزایش توانایی آن‌ها در نظارت بر اجرای تصمیمات و آرای جبرانی اهمیت دارد؛ به‌گونه‌ای که استقلال این نهادها و کاهش مداخلات غیرضروری سیاسی و اداری، زمینه ارتقاء اعتماد عمومی و تسریع در اجرای جبران خسارت را فراهم آورد.

از سوی دیگر، گسترش شیوه‌های جبران خسارت، از جمله جبران مالی و معنوی، اعاده وضعیت و اقدامات ترمیمی، می‌تواند پاسخگویی کارکنان را تقویت کند و آثار زیان‌بار تصمیمات اشتباه را کاهش دهد. توسعه پوشش بیمه مسئولیت مدنی کارکنان نیز، در چارچوب ضوابط قانونی، می‌تواند از فشار مالی ناشی از جبران خسارت بکاهد و اجرای آرای مربوط را تسهیل کند. افزون بر این، آموزش مستمر و استاندارد کارکنان، ارتقاء آگاهی حقوقی آنان و ترویج فرهنگ پاسخگویی، از اقدامات مؤثر در پیشگیری از خطاهای اداری و افزایش کارآمدی نظام اداری به شمار می‌رود. ایجاد سامانه‌های دیجیتال برای اطلاع‌رسانی درباره وضعیت پرونده‌ها و آرای جبران خسارت، همراه با توسعه سازوکارهای دریافت بازخورد و مشارکت شهروندان، نیز می‌تواند شفافیت فرایندها و امکان نظارت عمومی را افزایش دهد. در مجموع، اصلاح و شفاف‌سازی قواعد مسئولیت، تعیین دقیق صلاحیت مراجع رسیدگی، تسهیل فرایند مطالبه خسارت، تقویت نظارت و اجرای تصمیمات جبرانی و توسعه راهکارهای پیشگیرانه و حمایتی، مجموعه‌ای مکمل از پیشنهادها را تشکیل می‌دهد که هدف آن ارتقاء پاسخگویی اداری و تضمین جبران متناسب خسارت در چارچوب یافته‌های پژوهش است.

۶. نتیجه گیری

مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری، یکی از سازوکارهای بنیادین تضمین حاکمیت قانون، تحقق عدالت اداری و حمایت از حقوق اشخاص در برابر اعمال قدرت عمومی محسوب می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اثربخشی نظام جبران خسارت صرفاً در گرو شناسایی مسئولیت قانونی کارکنان یا دستگاه‌های اداری نیست، بلکه به وجود قواعد روشن در احراز خطا، اثبات رابطه سببیت، تعیین مرجع صالح، ارزیابی میزان زیان و تضمین اجرای تصمیمات جبرانی وابسته است. از این منظر، مسئولیت مدنی اداری باید فراتر از کارکرد جبرانی صرف، به‌عنوان ابزاری برای تحقق پاسخگویی نهادی

و تأمین حمایت حقوقی مؤثر از زیان‌دیدگان مورد توجه قرار گیرد.

یافته‌های تطبیقی حاکی از آن است که نظام‌های حقوقی ایران و عراق، باوجود تفاوت در ساختارهای قانونی و نهادی، با چالش‌های مشترکی در زمینه جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه کارکنان اداری مواجه‌اند. دشواری احراز تقصیر اداری، پیچیدگی اثبات رابطه سببیت میان تصمیم زیان‌بار و خسارت وارده، ابهام در حدود صلاحیت مراجع رسیدگی و فقدان معیارهای منسجم برای تعیین خسارت‌های مادی و معنوی، از مهم‌ترین موانع تحقق مسئولیت مدنی مؤثر در هر دو نظام به شمار می‌روند. بااین‌حال، ساختار رسیدگی به شکایات اداری در ایران، به‌ویژه با وجود دیوان عدالت اداری، از انسجام نهادی نسبی بیشتری برخوردار است؛ درحالی‌که در نظام حقوقی عراق، پراکندگی رویه‌ها، کاستی‌های تقنینی و محدودیت ظرفیت نهادهای رسیدگی، چالش‌های مضاعفی در مسیر احقاق حقوق زیان‌دیدگان ایجاد کرده است.

از حیث مبانی مسئولیت، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که تحقق جبران خسارت مستلزم تفکیک میان خطای شخصی کارمند و کاستی‌های منتسب به عملکرد دستگاه اداری و تعیین دقیق حدود مسئولیت هر یک بر اساس قواعد قانونی حاکم است. همچنین، احراز رابطه سببیت باید بر مبنای معیارهای حقوقی روشن و قابل پیش‌بینی صورت گیرد تا ضمن جلوگیری از تحمیل مسئولیت ناموجه بر کارکنان و نهادهای عمومی، امکان مطالبه مؤثر خسارت برای اشخاص زیان‌دیده نیز فراهم شود. در این چارچوب، شفافیت در توزیع بار اثبات و بهره‌گیری از ارزیابی‌های کارشناسی می‌تواند به کاهش اختلاف رویه و ارتقاء امنیت حقوقی شهروندان کمک کند.

از منظر آموزه‌های حقوق بشری، حق برخورداری از جبران خسارت مؤثر، ارتباطی مستقیم با حق دسترسی به عدالت، دادرسی منصفانه، برابری در حمایت قانونی و پاسخگویی نهادهای عمومی دارد. بر این اساس، جبران خسارت نباید صرفاً به پرداخت غرامت مالی محدود شود، بلکه متناسب با ماهیت زیان و شرایط قانونی، باید امکان اعاده وضعیت پیشین، اصلاح یا رفع آثار تصمیمات غیرقانونی و جبران خسارت‌های معنوی نیز مورد توجه قرار گیرد. بدین‌ترتیب، معیار اصلی کارآمدی نظام مسئولیت مدنی اداری، میزان توانایی آن در اعاده حقوق تضییع‌شده و فراهم‌سازی حمایت عملی و قابل اجرا برای اشخاص زیان‌دیده است.

بر مبنای نتایج پژوهش، اصلاح و تقویت نظام‌های جبران خسارت در ایران و عراق مستلزم اتخاذ مجموعه‌ای هماهنگ از تدابیر تقنینی، قضایی و اجرایی است. در این زمینه، تبیین دقیق حدود صلاحیت مراجع اداری و قضایی، تدوین ضوابط شفاف برای احراز مسئولیت و ارزیابی خسارت، تقویت سازوکارهای نظارت بر اجرای آرا، توسعه خدمات الکترونیکی رسیدگی و پیش‌بینی پوشش بیمه مسئولیت مدنی کارکنان اداری، از جمله راهکارهای قابل بررسی به شمار می‌روند. اجرای این تدابیر باید با رعایت اقتضائات ساختاری و ظرفیت‌های نهادی هر یک از دو نظام حقوقی صورت گیرد تا ضمن افزایش کارآمدی فرایند

جبران خسارت، از ایجاد تعارض صلاحیت و تحمیل هزینه‌های اضافی بر زیان‌دیدگان جلوگیری شود.

نوآوری تحلیلی پژوهش حاضر در ارزیابی هم‌زمان مبانی مسئولیت مدنی، ساختارهای نهادی رسیدگی و الزامات حقوق بشری جبران خسارت در دو نظام حقوقی ایران و عراق است. این رویکرد نشان می‌دهد که صرف پیش‌بینی قواعد مسئولیت در قوانین داخلی، بدون تضمین امکان دادخواهی مؤثر و اجرای تصمیمات جبرانی، برای حمایت واقعی از حقوق شهروندان کفایت نمی‌کند. درنهایت، تحقق نظام مطلوب جبران خسارت مستلزم برقراری توازن میان اختیارات قانونی دستگاه‌های اداری، مسئولیت ناشی از تصمیمات زیان‌بار و حقوق بنیادین اشخاص است؛ توازنی که می‌تواند به تقویت حاکمیت قانون، افزایش پاسخگویی اداری و ارتقاء اعتماد عمومی به نهادهای حکمرانی در هر دو کشور منجر شود.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

منابع

- الحسینی، ع، *قواعد المسؤولیة المدنیة للموظف العام*، بغداد، مطبعة النور، ۲۰۱۷.

- عبدالله، م، *المسؤولیة المدنیة للموظف الإداری فی العراق*، بغداد، دارالقانون، ۲۰۱۶.

- کاظمی، م، *اصول مسئولیت مدنی کارکنان دولت در ایران*، تهران، انتشارات سمت، ۱۴۰۰.

- مرادی، ن، *شیوه‌های جبران خسارت ناشی از تصمیمات اشتباه اداری*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.

- المطوری، ع، *آلیات التعویض عن الأضرار الإداریة*، بغداد، دار القانون الحدیث، ۲۰۱۷.

- الموسوی، ر، *التعویض عن الأضرار الإداریة فی النظام العراقی*، بغداد، المرکز القانونی، ۲۰۱۸.

- هاشمی، ر، *مسئولیت مدنی کارکنان اداری و جبران خسارت*، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۸.